



استغفار و فواید آن

بعضی‌ها از ماه رمضان بهره کامل می برند، بعضی نه؛ از یک چیزی بهره‌مند می‌شوند، از چیز دیگری خود را محروم نگه می‌دارند. باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید می‌کنم بر روی استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزشها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارهای پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگی‌ها مصفا کنیم، شستشو بدهیم و این با استغفار امکان‌پذیر است. لذا در روایات متعددی دارد که بهترین زمان دعاها یا در رأس ده‌ها، استغفار است؛ طلب مغفرت از پروردگار. برای همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم (ص) – آن انسان والا- هم استغفار می‌کرد. حالا استغفار امثال ما، از نوعی از گناهان است؛ این گناهان متعارف و معمولی و گراشپهای حیوانی در وجود ما و همین گناهان به تعبیری می‌گوئیم گناهان چارواری؛ گناه‌های آشکار و واضح. بعضی‌ها استغفارشان از چنین گناهانی نیست؛ از ترک اولی است. بعضی ترک اولی هم نمی‌کنند؛ اما استغفار می‌کنند، که این استغفار از تصور ذاتی و طبیعی انسان ممکن در قبال عظمت و کرامت پروردگار است؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج می‌کند. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه می‌شویم. وقتی به فکر استغفار می‌افتیم، گناهان، خطاها، خیرمسرها، بی‌پرویی از هوای نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمی که به نفس خودمان کردیم، ظلمی که به دیگران کردیم، جلوی چشم ما زنده می‌شود و به یادمان می‌آید که چه کرده‌ایم؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمی‌شویم. اولین فایده استغفار این است. بعد هم خدای متعال وعده فرموده است که آن کسی که استغفار کند، یعنی به عنوان یک دعای حقیقی از خدای متعال حقیقتاً آموزش بطلبد و از گناه پیشمانی باشد، لوجه‌الله توّاباً رحیماً(نساء، ۶۴) خدای متعال توبه‌پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوی پروردگار است؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند می‌پذیرد؛ اگر استغفار، استغفار حقیقی باشد.

استغفراالله، اما حواسش این طرف و آن طرف باشد، این فایده‌ای ندارد؛ این استغفار نیست. استغفار یک دعاست، یک خواستن است، باید انسان حقیقتاً از خدا بخواهد و مغفرت الهی و گذشتن پروردگار را بطلبد. من این گناه را کرده‌ام؛ پروردگار! ما من رحم کن، از این گناه من بگذر. اینطور استغفار به کردنی نیست به هر یک از گناهان، مسلماً غفران الهی را پشت سر خواهد داشت؛ خدای متعال این باب را باز فرموده است.

منوعیت اقرار به گناه در نزد دیگران

البته در دین مقدّس اسلام، اقرار به گناه پیش دیگران ممنوع است. اینکه در بعضی از ادیان هست که برون در عبادتگاه‌ها، پیش روحانی و کشیش، بنشینند، اعراف به گناه کنند، این در اسلام نیست و چنین چیزی ممنوع است. پرده‌ری نسبت به خود و افشای اسرار درونی خود و گناهان خود پیش دیگران، ممنوع است؛ هیچ فایده‌ای هم ندارد. اینکه حالا در آن ادیان خیالی و پنداری و تحریف شده اینطور ذکر می‌شود که کشیش گناه را می‌بخشد، نه در اسلام بخشنده گناه، فقط خداست. حتی پیغمبر هم نمی‌تواند گناه را ببخشد. در آیه شریفه می‌فرماید: *وَلَمْ يَأْمُرْ أَنْفِمْ جَابِوْكَ فَاَسْتَغْفِرِالله* و استغفر لهم الرسول لوجه‌الله توّاباً رحیماً(همان)؛ وقتی گناهی انجام دادند، ظلم به نفس کردند، اگر ببینند پیش تو که پیغمبر هستی، از خدای متعال طلب مغفرت و طلب بخشش کنند و تو هم برای آنها طلب بخشش کنی، خداوند، توبه آنها را می‌پذیرد. یعنی پیغمبر برای آنها طلب بخشش می‌کند؛ خود پیغمبر نمی‌تواند گناه را ببخشد؛ گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد. این استغفار است، که این استغفار حقیقتاً جایگاه مهمی دارد. از استغفار در این ماه غفلت نشود؛ بخصوص در سحرها، در شبها. دعاها، که در ماه رمضان هست، اینها را با توجه به معنایش بخوانید.

ماه رمضان، یک فرصت الهی

بحمدالله جامعه ما یک جامعه معنوی است. دعا و توجه و توسّل و ابتهال الی‌الله در بین مردم ما رایج است و مردم دوست می‌دارند؛ جوانهای ما دلهای پاک و نورانی‌شان به ذکر خدا متعال است؛ اینها همه فرصت است. ماه رمضان هم که یک فرصت الهی است، در اختیار ما قرار داده شده؛ استفاده کنید از این ماه مبارک، از این فرصت بسیار بزرگ؛ دلها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید؛ با استغفار، دلها و جانها را پاکیزه کنید؛ خواسته‌هایتان را با خدای متعال مطرح کنید. ارتباط معنوی ملت ما با خدای متعال کارهای بزرگی انجام داده است و ماه رمضان فرصت فوق‌العاده‌ای است برای این کار؛ از این فرصت استفاده شود.

ان‌شاءالله خداوند متعال به همه ما کمک کند تا بتوانیم در این ماه رمضان جنبه فرشته‌گون وجود خود را بر جنبه حیوانی خود غلبه دهیم. ما یک جنبه ملکی و فرشته‌ای داریم، یک جنبه مادی و حیوانی داریم. هوای‌های نفسانی، جنبه مادی را بر آن جنبه ملکی و فرشته‌ای غلبه می‌دهد. ان‌شاءالله در این ماه رمضان بتوانیم آن روحانیت را، آن نورانیت را بر جنبه مادی غلبه بدهیم و این را به عنوان ذخیره‌ای نگه داریم و از ماه رمضان به عنوان تمرینی که در طول سال این تمرین به کار ما خواهد آمد، ان‌شاءالله استفاده کنیم.

یمنیات در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۸۶/۶/۲۳

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مسافرت در ماه رمضان

س(اگر کسی در ماه مبارک رمضان به مسافرت برود، حکم روزه‌اش چگونه است؟ آیا مجاز به افطار روزه می‌باشد؟
ج) اگر بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزهٔ خود را نگه دارد، اما اگر پیش از ظهر مسافرت کند در صورتی که از شب قبل قصد سفر کرده باشد روزه‌اش باطل است؛ ولی اگر روز قصد سفر کرده است، بنابر احتیاط واجب باید روزه بگیرد و پس از ماه رمضان هم آن را قضا کند.

دختران روزه اولی

س(دختری که تازه به سن بلوغ رسیده ،اگر به واسطه روزه گرفتن دچار ضعف شدید شود، نسبت به روزه تکلیف دارد؟
ج) دختری که تازه به سن بلوغ (که بنا به نظر مشهور همان تکمیل نه سال قمری (برابر با ۸ سال و ۸ ماه و ۲۳ روز شمسی است)می‌رسند واجب است روزه بگیرند و ترک آن به صرف دشواری، ضعف جسمانی و ماندن آن جایز نیست، مگر آنکه روزه برای آنها ضرر داشته یا تحمل آن با مشقت زیادی همراه باشد.

مسافرت نیم روزه در ماه رمضان

س(اگر کسی در صبح ماه مبارک رمضان به مسافرت برود و پیش از اذان ظهر مجدداً به وطن و یا جایی که قصد اقامت ده روزه دارد برسد، حکم روزه‌اش چگونه است؟
ج) اگر مبطلی انجام ندهد باشد، لازم است نیت روزه نماید و روزه آن روز صحیح می‌باشد.

در س‌ماه پر خیر و برکت رمضان قرار داریم. اصناف مختلف آدمیان هر یک به قدر استعداد و ظرفیت خود از خوان گسترده این ماه بهره می‌برند و توشه یک سال بلکه یک عمر خود را برمی‌گیرند.
یکی از دعا‌های پرعزم وارده در این ماه دعای «اللهم ادخل علی اهل القبور السورور» است که مستحب است پس از هر نماز فریضه خوانده شود.
در مضامین این دعا نگاه جهانی و فراگیر حاکم است از این‌رو حاوی درس‌ها و نکات برجسته و انسانی فراوانی است که در مطلب حاضر به برخی از این نکات اشاره شده است.

دعایی جهانی برای تمام انسان‌ها

در یکی از ادعیه سفارش شده در ماه رمضان می‌خوانیم:

۱- اللهم ادخل علی اهل القبور السورور
۲- اللهم اغن کل فقیر
۳- اللهم انسبح کل جائع
۴- اللهم اکس کل عریان
۵- اللهم اقص دین کل مدین
۶- اللهم فرج عن کل مکروب
۷- اللهم رد کل غریب
۸- اللهم فک کل اسیر
۹- اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین
۱۰- اللهم اشف کل مریض
۱۱- اللهم سد فقراً بغناک
۱۲- اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک
۱۳- اللهم اقص عناالدین و اغننا من الفقر
۱۴- انک علی کل شیء قدير.

گرچه سخن گفتن با خدا ادب و ترتیب خاصی ندارد و هرکس به اندازه معرفت و دانش و مطابق فرهنگ و معتقدات خود می‌تواند هر لحظه به پروردگار خود متصل شده و با او راز و نیاز کند و انواع خواسته‌های خود را با او مطرح کند و بویشتن را از هم و غم دنیا رهایی بخشد، لکن بروضاح است که سخن گفتن گروه‌های مختلف مردم از عاسی و عالم و عارف با خداوند بسیار متفاوت بوده و نمی‌توان آنها را حتی نزدیک همدیگر طبقه‌بندی کرد و بدیهی است راه‌یافتگان و اولیای الهی به جهت ریاضات و تحمل مرارت‌هایی که در جهت تقرب به آن وجود لایزالی داشته‌اند با خلوص و آگاهی کاملتری دعا و مناجات می‌کنند و دقیقاً به همین دلیل در شریعت آسمانی اسلام موکدا توصیه شده به تأسی از اهل بیت(ع) که‌خانه‌زاد بارگاه قرب خداوند هست و روح و جانشان با معارف اصیل و صحیح، عجین گشته و مستقیماً به منبع وحی و ربوبیت اتصال دارند، به ایشان اقتدا نموده دعا و مناجات کردن را از ایسن خاندان کریم فرا بگیریم و انصافا وقتی به ادعیه ماوراء از اهل بیت(ع) مراجعه می‌کنیم به جهت معانی و مفاهیم عمیق و پرمحتوا برمی‌خوریم که آنها را باید بی‌اغراق سایه کلام وحی و آیات قرآن تلقی کنیم. شاید عقل هم همین را حکم کند و بدون این توصیه و تأکید نیز منطقی باشد چنین روشی را در پیش بگیریم. با این

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

و رنگ خدایی دادن به کارها نیز مایه اصلی تفکر و عمل هر انسان خداجوست که به منش و کردار او سمت و سوی الهی می‌دهد. نکته جالب دیگر در این قسمت آن است که مؤمن ابتدا آسوری معنوی و مادی را برای دیگران می‌خواهد و سپس به انتهای دعا طی فرازهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم، نعمتهایی را از خدا برای خود می‌خواهد و جالب‌تر اینکه در همین سه جمله نیز به جای استفاده از ضمیر متکلم وحده (برای من) از ضمیر متکلم مع‌الغیر (برای ما) مدد می‌جوید و گویا حتی در انتهای دعا نیز حیا می‌کند که پس از آن همه خیر و نیکی که برای دیگران می‌خواهد، چیزی برای خود طلب کند. لذا در اینجا هم می‌گوید خدایا حال ما را (نه من را) به حسن و نیکویی حال خود تغییر ده. خدایا قرض ما را ادا فرما و فقر ما را به ثروت و دارایی بدل نما. نکته دیگر در این جمله اخیر آن است که رهایی از فقر در دو جا (در انتهای دعا آنجا که دعاکننده هم برای خود و هم برای دیگران می‌خواهد) آمده و از سنیاق کلام برآمده است به جای کینه ورزیدن و مرور خاطرات تلخ و سیاهه که خود می‌تواند روح عنا‌الدین و اغننا من الفقر، منظور فقر مادی. چون در جمله جبحث ادای دین و غنای او فقصر توامان آمده و چنین به ذهن متبادر می‌کند که منظور فقر مادی است اما در جمله قبلی مطلق فقر آمده و اگر فقر را در جمله اخیر به معنای مادی آن بگیریم بالضروره در جمله اول باید به معنای معنوی گرفت. هر دو به یک معنا نیز منطقی نیست چون تکراری غیرمفید و غیرلازم است.

پس از جملات اول و سیزده و شاکله اصلی و کلی دعا که به اصول اعتقادی و اساسی توجه دارند جملات ۱۳، ۱۴، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ تماما به مشکلات اقتصادی و روزمره اشاره می‌کنند. اما نکته جالب اینکه این دعای عمیق و پرمحتوا تأکیدی بر این نکته اساسی نیز دارد که رفع حوائج مادی و گرفتاری‌های روزمره گرچه مهم هستند و لازم، اما امکان ندارد که انسان صرفاً با تأمین آن نیازمندی‌ها، به سعادت و راحتی دست یابد درحالی‌که از نظر روحی و روانی دغدغه و آشفتگی خیال داشته باشد، لذا در جمله ششم از خداوند می‌خواهیم که در کار هر فرد گرفتاری، گمشایش و فرج حاصل کند. در جمله دوازدهم نیز از خداوند مسئلت می‌کنیم که بدی حال ما را به حسن و خوبی حال خود تغییر دهد. نکته بسیار مهم و کلیدی دیگر در این جمله آن است که تقویت روحی و خوشی‌های ظاهری و نفسی حداکثر می‌توانند مستکی برای دردها و ناسامانه‌های روحی انسان‌ها باشند و راه حل اساسی و گمشایش واقعی آن است که دل‌های آدمیان به نور و جلوه الهی منور گردیده، آرامش و طمانینه واقعی را ادراک کند.

فرازهای ۹ و ۸-۷ این دعا به گرفتاری‌ها و مشکلات اجتماعی اشاره دارد و مؤمن از خدا می‌خواهد که تمامی غریبان به موافقت خود برگشت، اسیران آزاد شوند و از همه مهم‌تر، امور فاسد جامعه مسلمین اصلاح و مرتفع گردد. در اینجا نکته‌ای وجود دارد که شایان توجه خاصی است و کوفهمی می‌تواند باعث تفسیر ناصحیح از دعا شود؛ تقریباً تمامی خواسته‌هایی که در این دعا طرح گردیده عمومیت دارد به طوری که ما برای تمام فقیران، غنا طلب می‌کنیم، برای تمام گرسنگان، سیری می‌خواهیم، برای تمام برهنگان لباس می‌خواهیم و… این فرازها به منبای صفت رحمانیت خداوندی که شامل تمام موجودات و خلائق می‌شود، می‌خواهد این معنا را به ما القاء کند که خاتر و خزان خداوند نمی‌کند. او تمامی موجودات را که آفریده به اندازه ظرفیت آن‌ها نعمت

نکته بسیار مهم و کلیدی دیگر در این جمله آن است که تقویت روحی و خوشی‌های ظاهری و نفسی حداکثر می‌توانند مستکی برای دردها و ناسامانه‌های روحی انسان‌ها باشند و راه حل اساسی و گمشایش واقعی آن است که دل‌های آدمیان به نور و جلوه الهی منور گردیده، آرامش و طمانینه واقعی را ادراک کند.
فرازهای ۹ و ۸-۷ این دعا به گرفتاری‌ها و مشکلات اجتماعی اشاره دارد و مؤمن از خدا می‌خواهد که تمامی غریبان به موافقت خود برگشت، اسیران آزاد شوند و از همه مهم‌تر، امور فاسد جامعه مسلمین اصلاح و مرتفع گردد. در اینجا نکته‌ای وجود دارد که شایان توجه خاصی است و کوفهمی می‌تواند باعث تفسیر ناصحیح از دعا شود؛ تقریباً تمامی خواسته‌هایی که در این دعا طرح گردیده عمومیت دارد به طوری که ما برای تمام فقیران، غنا طلب می‌کنیم، برای تمام گرسنگان، سیری می‌خواهیم، برای تمام برهنگان لباس می‌خواهیم و… این فرازها به منبای صفت رحمانیت خداوندی که شامل تمام موجودات و خلائق می‌شود، می‌خواهد این معنا را به ما القاء کند که خاتر و خزان خداوند نمی‌کند. او تمامی موجودات را که آفریده به اندازه ظرفیت آن‌ها نعمت

آثار صلوات خدا و پیامبر بر انسان

است تا بسر پیامبرش صلوات بفرستند، همچنین با شرایطی بر پیامبر(ص) است تا بر مومنان امت صلوات بفرستد؛ خدا در این‌باره می‌فرماید: *خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ لِطَّرْفِهِمْ وَ أَوْ كَرِهَيْمِمْ وَ بِنَهَا وَ ضَلَّ عَلَيْهِمْ إِنْ صَلَّاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَآلله سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛* از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و تزکیه‌شان سازی و درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی برآورد و به مؤمنان همواره رحیم است.(احزاب، آیه ۴۳)

بر این اساس نباید صلوات در هر شکل و قالبی از جمله دعا و نیایش را دست‌کم بگیریم، زیرا عامل مهم و تأثیرگذار در زندگی بشر است.

است تا بسر پیامبرش صلوات بفرستند، همچنین با شرایطی بر پیامبر(ص) است تا بر مومنان امت صلوات بفرستد؛ خدا در این‌باره می‌فرماید: *خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ لِطَّرْفِهِمْ وَ أَوْ كَرِهَيْمِمْ وَ بِنَهَا وَ ضَلَّ عَلَيْهِمْ إِنْ صَلَّاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَآلله سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛* از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و تزکیه‌شان سازی و درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی برآورد و به مؤمنان همواره رحیم است.(احزاب، آیه ۴۳)

بر این اساس نباید صلوات در هر شکل و قالبی از جمله دعا و نیایش را دست‌کم بگیریم، زیرا عامل مهم و تأثیرگذار در زندگی بشر است.

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

چراغ راه

شاخص‌های عاقبت به خیری

قال الامام علی(ع): «طوبی لمن ذکر المعاد، و عمل للحساب، و قنع بالکفاف، و رضی عن‌الله»

امام علی(ع) فرمود: خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند و با قناعت زندگی کند، و از خدا راضی باشد.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۴۴

حکایت خوبان

آخرین گفت‌وگوی انسان

در هنگام مرگ!

امام علی(ع) می‌فرماید: در آخرین لحظات زندگی مال، فرزندان و عمل انسان در برابرش مجسم می‌شوند! انسان رو به مال خود کرده و می‌گوید: من در جمع‌آوری تو حریص و در مصرف کردنت بخیل بودم، در این لحظه چه کمکی به من خواهی کرد؟ مال در پاسخ می‌گوید: من تنها کفن تو را تهیه می‌کنم. پس از آن انسان رو به فرزندان خود کرده و می‌گوید: من شما را دوست می‌داشتم و حامی شما بودم، در این لحظه با من چه می‌کنید؟ آنها در پاسخ می‌گویند: ما تو را به قبر می‌رسانیم و دفن می‌کنیم، پس از آن انسان به عمل خود می‌گوید: چه نسبت به تو بی‌اعتنا بودم، و تو بر من سنگین بودی، امروز با من چه خواهی کرد؟ عمل در پاسخ می‌گوید: من از قبر تا قیامت همنشین تو خواهم بود، تا زمانی که هر دو در پیشگاه خداوند حاضر شویم.^(۱)

۱- وسائل‌الشیع، ج ۱۶، ص ۱۰۵

پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ در آموزه‌های علوی (۵)

۱- اوصاف مرگ

* **مردی به توصیف‌المؤمنین(ع) عرض کرد: یا علی! من لفا الموت، مرگ را برای ما مبروف‌کن؟** حضرت فرمودند: سؤال نمودی بعد فرمود: مرگ یکی از سه قسم است: گروه اول: افرادی هستند که بشارت ابدی به آنها داده می‌شود (و آنها سعاد، پاکان، نیکان و شایستگانند، به آنها بشارت و مزده به رحمت ابدی می‌دهند و آنها جزو دوستان ما هستند)، گروه دوم: افرادی هستند که بشارت عذاب ابدی به آنها داده می‌شود، و این اشخاص کفار و مشرکین و منافقین و تکذیب‌تا وضعان در همان وقت مرگ عذاب قطعی را می‌فهمند. گروه سوم: این افراد مسلمانند، اما اولوگهی‌ها و معاصی نیز دارند.

حضرت درباره آنها فرمود: امر اینها مبهم است. اینها دچار هول و وحشت و اضطراب می‌باشند نه نجات آنها معلوم است نه هلاکت آنها. در انتظارند تا به کار آنها رسیدگی شود. در دنباله حدیث امام علی(ع) می‌فرماید: ای دوستان و ای شیعیان، بکشید دارای عمل نیک باشید، خدا در یک حدودی به ما اجازه شفاعت داده اما تا وقتی ما برسیم و شما لایق شفاعت ما شوید، گاهی سیصدهزار سال در عذاب الهی گرفتارید، پس بکشید بار گناه خود را سنگین نکنید تا وضعان در دم مرگ روشن باشد و به پاکی و خوبی از این عالم برود تا می‌توانید در اعمال نیک و خدمت به مردم بکشید تا سکرات موت بر شما آسان گردد. (بخارا،انوار، ج ۳، ص ۱۳۴)

۲- پاسخ به شبهه تناقض قبض روح

* **امام علی(ع) در پاسخخ به زندق(کافری) که مدعی تناقض در مسئله قبض روح در قرآن بود؛ فرمودند: «الله یوفی الائنس حین موتها(زمر-۴۲) و آیه «یتوفاکم ملک الموت»(سجده-۱۱) و آیه «وقته رسلنا(انعام-۶۱) و آیه «تتوفاهم الملائکه طیبین»(نحل-۳۲) و آیه «الذین تتوفاهم الملائکه ظالمی انفسهم»(نحل-۲۸) خداوند تبارک و تعالی برتر و بزرگ‌تر از آن است که (گرفتن جانها) از خود به عهده گیرد. کار فرستادگان و فرشتگان، کار او به شمار می‌آید، چرا که اینان به فرمان او کار می‌کنند.**

پس هرکس که اهل اطاعت و فرمانبری باشد، ستاندن جانش را فرشتگان رحمت به عهده می‌گیرند، و هر که اهل معصیت و نافرمانی باشد، قبض روحش را فرشتگان عذاب به گردن می‌گیرند. ملک‌الموت دستیارانی از فرشتگان رحمت و عذاب دارد که فرمان او را اجرا می‌کنند و کار آنها در واقع کار او می‌باشند، و هرچه آنها انجام می‌دهند به ملک‌الموت نسبت داده می‌شود. بنابراین، عمل آنها عمل ملک‌الموت است و عمل ملک‌الموت عمل خدا است. زیرا که خداوند جانها را با دست هر که خود بخواهد می‌ستاند.(الاختصاص، شیخ مفید، ص۱۸۸)

۳- مرگ زودرس

* **روزی امیرالمؤمنین علی(ع) خطبه می‌خواند و در ضمن آن فرمود: «عود بالله من الذنوب الی تعجل الفناء»** پناه می‌برم به خداوند از گناهانی که موجب زودرسی هلاکت (مرگ زودرس) خواهند شد. «عبدالله این کوا،» (مناقب سرشناس عهید امیرالمؤمنین که بعدها رئیس گروه خوارج شد) بلند شد و گفت: ای امیرالمؤمنین! آیا گناهی موجب عود باخداوند زودرس می‌شود وجود دارد؟ امام علی(ع) در پاسخ فرمود: آری! ولی بر تو و آن گناه قطع رحم(بریدن پیوند از خویشاوندان) است. چه بسا خاندانی هستند با اینکه از حق دورند، ولی بر اثر همکاری و خدمت به یکدیگر به گرد هم آیند و همین کار موجب می‌شود که خداوند به آنها روزی می‌رساند و چه بسا افراد پرهیزکاری که تفرقه و دگرگونی خاندانشان و قطع رحم بیشناب موجب می‌شود که خداوند آنها را از روزی و رحمتش محروم سازد. (کافی، ج ۲، ص ۳۴۷)

سلوک عارفانه

مراقبت، لازمه تقویت توحید در قلب و

کنترل نفس است

(بدان ای سالدک راه خدا) در توحید باید مراقبت از تقویت کرد. مراقبت تخم سعادت است که در مزرعه دل کاشته می‌شود و سایر آداب و اعمال پروراندن آن است. مراقبت کشیک نفس کشیدن است و همواره در حضور بودن است. حدیث نفس مزاحم با مراقبت است. این سخن دلنشین امام صادق(ع) را باید بر دل نشاند که دل انسان حرم خدا است. پس در این حرم خدا غیر خدا را نباید سناکن کرد؛ «القلب حرم‌الله فلاسکن فی حرم‌الله غیرالله.»^(۱)

۱- هزار و یک کلمه، علامه حسن‌زاده، ج ۱، ص ۱۹۱

صفحه معارف روز‌های: شنبه ،یک‌شنبه

سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir